

بسم الله الرحمن الرحيم

درس خارج

اصول فقه

جلسه بیستم

۹۲/۹/۴

تا حالا پنج صورت، از احکام تعلم بیان شد.

۶- صورت ششم

علم به تکلیف داریم، و شک در موضوع داریم. یعنی شبهه، شبهه موضوعیه است و احتمال می‌دهیم که صغرا متحقق باشد یعنی علم به حکم داریم ولی نمی‌دانیم صغرا محقق است یا نه؟ مثل *يجب الصلاة في الساتر الطاهر*، تکلیف روشن است که نماز با ساتر طاهر واجب است. و از طرفی اگر تعلم قبل از زمان واجب حاصل نشود، به هر دلیلی در زمان واجب، تعلم ممکن نخواهد شد، آیا فحص از موضوع لازم است یا نه؟ باز به اصول مأمنه جاری در موضوع مراجعه می‌شود. و تکلیف نداریم سوال و فحص کنیم که این ساتر پاک است یا نه. پس وجوب تعلم ثابت نیست. تحصیل علم به موضوع ثابت نیست. چون اصول مأمنه در موضوع کفایت می‌کند و تحصیل علم به موضوع لازم نیست. یکی از مواردی که فحص از موضوع لازم ندارد همین مورد است. بخاطر جریان اصل مأمن در موضوع که برائت باشد.

مثال؛ می‌دانم که اگر سال بگذرد و تعداد گوسفندان به حد نصاب زکات برسد، زکات بر من واجب می‌شود. ولی اگر الان فحص نکنم نمی‌دانم که به نصاب رسیده یا نه. چون به هر دلیل در آخر سال برایم شمردن ممکن نیست در محل نیستم یا غیره. در این صورت واجب نیست که از الان تعداد گوسفندان را بشمارم که در حد نصاب است یا نه. چرا؟ چون اصل مأمن در اینجا وجود دارد یعنی چون احتمال دارد که در سر سال به حد نصاب نرسیده باشد. و لذا اصل برائت در این فرض جاری است و لذا قبل از زمان واجب، تعلم و شمردن بر من واجب نیست.

۷- صورت هفتم

همان صورت ششم است، منتهی با فرض به علم اجمالی. یعنی علم به کبرای کلی دارم شک در موضوع بر من عارض شده که با علم اجمالی همراه است. نمی‌دانم نصاب در این بخش از دام‌ها است یا در آن بخش دام‌ها، در گوسفندان است یا شتران؟ می‌دانم در یکی از اینها نصاب هست ولی نمی‌دانم کدام است. در اینجا یا باید احتیاط کند و یا باید یاد بگیرد (فحص کند) تا ببیند نصاب در کدام از آنهاست. یا زکات هر دو را بدهد و یا فحص کند و بشمارد. و الا قبل از فحص نمی‌تواند برائت جاری کند.

۸- صورت هشتم

همان فرض هفتم است، منتهی با احتمال ابتلای به صغری در آینده. در فرض قبلی علم به کبری و شک در صغرا داشتیم. در اینجا هم شک در صغرا داریم ولی شک در صغرای استقبالی است.

چون شک در صغری گاهی بالفعل است و گاهی بالقوه است.

کبری را می‌دانم که حج علی‌المستطیع واجب است ولی الان مستطیع نیستم و می‌دانم در آینده مستطیع خواهم شد هنوز ابتلای به صغری نشدم ولی می‌دانم که الان یاد نگیرم بعداً در حین وجوب حج با استطاعتم، یادگیری برایم ممکن نخواهد بود آیا الان بر من یاد گیری واجب است؟ تعلم در اینجا از مقدمات مفوته است. چون تعلم بعد از فعلیت صغری، برای او حاصل نیست.

در اینجا دو فرض است:

۱- علم به ابتلای صغری در آینده داشته باشد. یعنی الان می‌دانم حج بر مستطیع واجب است و الان مستطیع نیستم ولی می‌دانم که سال آینده حتماً مستطیع خواهم شد. آیا تعلم از الان بر من واجب است؟ تعلم از باب مقدمه مفوته وجودیه است و لذا تعلم از این باب واجب است.

۲- علم به ابتلای صغری در آینده ندارد. ممکن است گفته شود همان اصول موضوعیه‌ای که در ابتلای بالفعل جاری کردیم، در ابتلای استقبالی هم اصول موضوعه جاری می‌کنیم. در آنجا ابتلای بالفعل دارم و ابتلای بالفعل برای من حاصل است، و شک در موضوع دارم، گفته شد اصول مأمنه جاری در موضوع جاری می‌شود. گفته شد اگر شک در نصاب دارم، گفته شد که اصل مأمنه در موضوع جاری می‌شود. در اینجا اگر احتمال ابتلای استقبالی داشته باشم، به طریق اولی اصل مأمن جاری می‌شود. چنانکه در ابتلای بالفعل اصل مأمن جاری می‌شد. وقتی در ابتلای بالفعل اصل مومن جاری بتوان کرد در ابتلای استقبالی به طریق اولی می‌توان جاری کرد. این حکم چیزی است که در بدو نظر به ذهن می‌رسد. و لذا محققان اصولی اشکالاتی را در اصل موضوعی مطرح کردند که فردا بحث می‌شود.